

موعظه انجیل کامیابی: فریبنده و مرگبار

وقتی دربارهٔ کلیساهایی مطالعه می‌کنم که انجیل کامیابی را موعظه می‌کنند، واکنشم چیزی جز این نخواهد بود: «اگر مسیحی نمی‌بودم، هرگز نمی‌خواستم مسیحی گردم.» به عبارتی، اگر پیغام عیسی این است، ممنون، نمی‌خواهم.

اینکه مردم را به انگیزهٔ ثروتمند شدن جذب مسیح نمایم هم فریبنده است و هم مرگبار. موعظهٔ انجیل کامیابی فریبنده است، چرا که وقتی عیسی ما را خواند، چنین فرمود: «هر یکی از شما که تمام مایملک خود را ترک نکند نمی‌تواند شاگرد من شود» (لوقا ۱۴:۳۳). موعظهٔ انجیل کامیابی مرگبار است، چرا که اشتیاق برای ثروتمند شدن «مردم را به تباهی و هلاکت» فرو می‌برد (اول تیموتائوس ۹:۶). پس تمنای من از واعظان انجیل این است:

۱. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که ورود مردم را به آسمان دشوارتر گرداند.

عیسی فرمود: «چه دشوار است که توانگران داخل ملکوت خدا شوند.» شاگردان عیسی از این گفته حیران گشتند، همان‌طور که بسیاری از پیروان «جنبش کامیابی» می‌بایست حیرت کنند. آن‌گاه، عیسی به سخنانش ادامه داد و شاگردانش حیران‌تر گشتند: «سهل‌تر است که شتر به سوراخ سوزن درآید از اینکه شخص دولتمند به ملکوت خدا داخل شود.» و شاگردان در بی‌ایمانی چنین گفتند: «پس که می‌تواند نجات یابد؟» و عیسی فرمود: «نزد انسان محال است، لیکن نزد خدا نیست، زیرا که همه چیز نزد خدا ممکن است» (مرقس ۱۰:۲۳-۲۷).

حال، سوال من از واعظان کامیابی این است: چرا می‌خواهید رویهٔ خدمتی را پیش گیرید که ورود مردم را به آسمان دشوارتر گرداند؟

۲. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که آتش خواهشهایی را در مردم بی‌فروزد که خود را در آن بسوزانند.

پولس می‌گوید: «دینداری با قناعت سود عظیمی است. زیرا که در این دنیا هیچ نیافریدیم و واضح است که از آن هیچ نمی‌توانیم برد. پس اگر خوراک و پوشاک داریم، به آنها قانع خواهیم بود.» سپس در خصوص اشتیاق برای ثروتمند شدن هشدار می‌دهد و با برشمردن ماحصل آن بر ضد واعظانی هشدار می‌دهد که به جای آنکه مردم را یاری رسانند که از سودای ثروت دور شوند، اشتیاق به ثروت را در آنها برمی‌انگیزند. او چنین هشدار می‌دهد: «آنانی که می‌خواهند دولتمند شوند گرفتار می‌شوند در تجربه و دام و انواع شهوات بی‌فهم و مضر که مردم را به تباهی و هلاکت غرق می‌سازند. زیرا که طمع ریشهٔ همهٔ بدیها است، که بعضی چون در پی آن می‌کوشیدند از ایمان گمراه گشته، خود را به اقسام دردها سفتند» (اول تیموتائوس ۶:۶-۱۰).

حال، سوال من از واعظان کامیابی این است: چرا می‌خواهید رویهٔ خدمتی را پیش گیرید که مردم را برانگیزد تا خود را به اقسام دردها مجروح سازند و در تباهی و هلاکت فرو روند؟

۳. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که آنچه به بار آورد، به بید و زنگ، آسیب‌پذیر باشد.

عیسی دربارهٔ اندوختن گنجها در این دنیا هشدار می‌دهد، یعنی به ما می‌گوید بخشنده باشیم نه مال‌اندوز. «گنجها برای خود بر زمین نیندوید، جایی که بید و زنگ زیان می‌رساند و جایی که دزدان تَقَب می‌زنند و دزدی می‌نمایند» (متی ۱۹:۶).

آری، همهٔ ما چیزی را می‌اندوزیم. اما، با وجود تمایل به طمع‌ورزی که در همهٔ ما ریشه دارد، چرا تمرکزمان را از عیسی برداریم و برعکس عمل کنیم؟

۴. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که باعث شود مردم به انگیزه ثروت اندوختن سخت کار کنند.

پولس می‌گوید ما نباید دزدی کنیم، بلکه با دستان خود سخت کار کنیم، اما هدف اصلی این نیست که صرفاً مال‌اندوزی کنیم یا حتی دارا باشیم. هدف این است که «دارا باشیم تا بتوانیم ببخشیم.» «به دستهای خود کار کرده زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد» (افسیسیان ۴:۲۸). این آیه توجیهی بر آن نیست که ثروتمند باشید تا بتوانید بیشتر ببخشید، بلکه شما را می‌خواند تا بیشتر داشته باشید و کمتر بیندوزید تا بتوانید بیشتر ببخشید. دلیلی وجود ندارد شخصی که درآمدش دویست هزار دلار است صرفاً زندگی‌اش متفاوت با کسی باشد که درآمدش هشتاد هزار دلار است. فرض کنید در دوران جنگ به سر می‌برید. خود را با شرایط جنگ تطبیق دهید، هزینه‌هایتان را محدود کنید و بقیه را ببخشید.

چرا می‌خواهید مردم را برانگیزید تا چنین پندارند که باید ثروتمند شوند تا بتوانند بخشنده‌ای سخاوتمند گردند؟ چرا آنها را تشویق نمی‌کنید که ساده‌تر زیست کنند و در همان ساده‌زیستی سخاوتمندتر باشند؟ آیا ساده‌زیستی در کنار سخاوتمندی شهادتی قوی نخواهد بود بر اینکه مسیح گنجشان است نه دارایی‌هایشان؟

۵. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که باعث کم‌ایمانی مردم به وعده‌های خدا گردد، وعده‌هایی که هرگز نمی‌توانند با پول و ثروت جایگزین شوند.

دلیلی که نویسنده رساله به عبرانیان به ما می‌گوید به آنچه داریم قانع باشیم این است که قانع نبودن حاکی از کم‌ایمانی به وعده‌های خدا است. نویسنده عبرانیان می‌گوید: «سیرت شما از محبت نقره خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا که او گفته است: (تو را هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهم نمود). بنابراین ما با دلیری تمام می‌گوییم: خداوند مددکننده من است و ترسان نخواهم بود. انسان به من چه می‌کند؟» (عبرانیان ۵:۱۳-۶).

اگر کتاب مقدس به ما می‌فرماید قانع بودن به داشته‌هایمان به معنی ارزش نهادن به این وعده خدا است که او هرگز ما را ترک نخواهد کرد، چرا می‌خواهیم به مردم تعلیم دهیم که ثروتمند شوند؟

۶. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که باعث خفگی مردم شود.

عیسی هشدار می‌دهد همان کلام خدا که به ما حیات می‌بخشد می‌تواند از تأثیر ثروت خفه گردد. او می‌فرماید کلام مانند بذری است که اگر در میان خارها افتد خفه می‌شود و از بین می‌رود: «اشخاصی می‌باشند که چون می‌شنوند می‌روند . . . دولت . . . ایشان را خفه می‌کند و هیچ میوه به کمال نمی‌رسانند» (لوقا ۸:۱۴).

چرا می‌خواهیم مردم را برانگیزیم تا دقیقاً در پی همان چیزی باشند که عیسی هشدار می‌دهد باعث خفگی ما خواهد شد؟

۷. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که طعم نمک را بگیرد و بر چراغ سرپوش گذارد.

چه چیزی در مسیحیان وجود دارد که آنها را نمک جهان و نور عالم می‌سازد؟ مسلماً، آن چیز ثروت نیست. اشتیاق برای ثروتمند شدن و در پی ثروت بودن طعم دنیا را می‌دهد و دقیقاً مانند دنیا است. این طرز فکر همان چیزی را به دنیا ارائه می‌دهد که دنیا خود آن را باور دارد. مصیبت عظیم درباره موعظه انجیل کامیابی این است که لازم نیست افراد از نظر روحانی بیدار باشند تا بتوانند این پیغام را بپذیرند، بلکه کافی است که شخص طمعکار باشد و بس. با ثروتمند شدن در نام عیسی نمی‌توان نمک جهان یا نور عالم گشت. در پیغام انجیل کامیابی، دنیا صرفاً بازتابی از خودش را می‌بیند و اگر این پیغام عملی باشد، دنیا خریدارش خواهد بود.

محتوای کلام عیسی به ما نشان می‌دهد که نور و نمک به چه اشاره دارند. نور و نمک این است که با وجد و شادی مشتاقی رنج کشیدن برای مسیح باشیم. عیسی می‌فرماید: «خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه

گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است، زیرا که به همین‌طور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند. شما نمک جهانید . . . شما نور عالمید» (متی ۱۱:۵-۱۴).

آنچه باعث می‌شود دنیا مسیح را در ما بچشد (نمک) و ببیند (نور) این نیست که ما به مانند دنیا پول دوست باشیم، بلکه نور و نمک آن خواهد بود که مسیحیان، با وجود رنجها و زحمتهای، این اشتیاق و توانایی را از خود نشان دهند که دیگران را دوست داشته باشند و به خاطر پاداشی که در آسمان نزد عیسی محفوظ است شادی نمایند. از دیدگاه انسانی، این امری توجیه‌ناپذیر است، چرا که از عالم بالا سرچشمه می‌گیرد. حال آنکه، جلب توجه مردم به وسیلهٔ وعده‌های کامیابی امری زمینی است و نشانی از آسمان ندارد. پیغام عیسی وعدهٔ کامیابی نیست. عیسی جان نداد تا وعدهٔ کامیاب شدن را تحقق بخشد.

جان پای‌پر

www.MahfeleEnjil.com